

مسئولیت مدنی ناشی از اعتماد در فرض بطلان قرارداد

امیرحسین نقوی^{۱*}، حبیب طالب احمدی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شیراز

۲. استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه شیراز

(دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۴)

Civil Liability of Reliance in the Case of Invalidity of Contract

Amir Hossein Naghavi^{1*}, Habib Taleb Ahmadi²

1. Ph.D. Student in Private Law, Shiraz University

2. Assistant Professor of Private Law, Shiraz University

(Received: 13/Aug/2019

Accepted: 13/May/2020)

Abstract

In the course of concluding the contract, it happens that the parties to the contract carry out the costs, take measures and transactions or withdraw from the situations. In the case of the invalidity of the contract, all of this appear in the form of the damage. It seems that if one can attribute the nullity of the contract to one the parties, then that party can be identified as responsible for the compensation of such damages. This responsibility is forcible and it is the basis of the above-mentioned fault as well; because the party that assumes the cause of the fault and yet enters the contract consciously, has committed the wrongdoing. It is feasible to acquire the causality relationship with respect to the direct transaction costs such as brokerage, official document setup, transportation and maintenance, etc. But, due to the indirect losses, this acquisition of relationship proves to be difficult regarding the loss of the opportunities as well as the transactions and measures that are towards the conclusion of the contract which might result in harm and loss such as selling assets or borrowing to provide consideration. The purpose of the liability of reliance is to put the harmed party in a situation that if the contract was not concluded, that party would still remain in the same situation.

Keywords: Extradition Damages, Expected Damages, Reliance Damages, Trust, Contract Error.

چکیده

طرفین قرارداد ممکن است در راستای انعقاد آن، هزینه‌ها، اقدامات و معاملاتی را انجام داده یا از موقعیت‌هایی صرف‌نظر کرده باشند. در فرض بطلان قرارداد، همه این موارد به صورت خسارت جلوه می‌کند. به نظر می‌رسد، اگر بطلان قرارداد را بتوان به یکی از طرفین منتسب کرد، می‌توان او را مسؤول جبران چنین خساراتی دانست. این مسؤولیت، قهری و مبنای آن تقصیر است زیرا طرفی که علت بطلان، منتسب به اوست و با وجود آن، اقدام به انعقاد قرارداد می‌کند، مرتکب تقصیر شده است. احراز رابطه سببیت در خصوص هزینه‌های مستقیم معامله مانند دلالی، تنظیم سند رسمی، حمل و نقل و نگهداری و ... امکان‌پذیر است، اما در خصوص از دست دادن موقعیت‌ها و نیز معاملات و اقداماتی که در راستای انعقاد معامله انجام می‌شود و ممکن است منجر به ورود ضرر شود مانند فروش مال یا استقراض برای تهیه ثمن به جهت غیرمستقیم بودن ضرر دشوار است. هدف مسؤولیت مدنی ناشی از اعتماد آن است که طرف زیان‌دیده را در موقعیتی قرار دهد که اگر قرارداد منعقد نمی‌شد همچنان در آن موقعیت قرار داشت.

کلیدواژه‌ها: خسارات استرداد، خسارات انتظاری، خسارات اتکایی، اعتماد، خطای قراردادی.

* Corresponding Author: Amir Hossein Naghavi

E-mail: barrister.a.h.n@gmail.com

نویسنده مسئول: امیرحسین نقوی

مقدمه

در تمام نظام‌های حقوقی برای اعتبار و صحت روابط حقوقی قواعدی وضع شده است که رعایت نکردن آنها به وضعیت حقوقی رابطه خدشه وارد می‌کند که از مهم‌ترین آنها بطلان قرارداد می‌باشد. با بطلان عقد در فرض عدم اجرای قرارداد، تعهدات قراردادی نیز از بین می‌رود و در صورت اجرای قرارداد با وحدت ملاک از ماده ۳۶۶ قانون مدنی کسی که به عقد فاسد، مالی را قبض کند باید آن را به صاحبش رد نماید و اگر تلف یا ناقص شود ضامن عین و منافع آن خواهد بود. در صورتی که مورد عقد، انجام فعل یا رفتاری باشد با بطلان عقد شخص مستحق اجرت‌المثل خواهد بود. خسارات ناشی از بطلان قرارداد تنها به اعاده مورد معامله و منافع تفویض شده و مطالبه خسارات مورد انتظار ختم نمی‌شود. اشخاص با اعتماد و اتکای به صحت و اصالت یک عقد وارد مذاکرات قراردادی می‌شوند و به امید انعقاد قراردادی صحیح و قابل اجرا هزینه‌هایی را تقبل می‌کنند یا فرصت‌های معاملاتی دیگر را از دست می‌دهند. بطلان قرارداد؛ اقدامات، هزینه‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و به طور کلی آنچه را که به اعتماد وقوع آن انجام شده عقیم می‌سازد و از این رهگذر ممکن است سبب ورود خسارت به یکی از طرفین قرارداد گردد. در مواردی که یک اختلال در خصوص شرایط صحت عقد وجود دارد به گونه ای که هیچ قرارداد صحیح و کامل بوجود نمی‌آید ممکن است متوجه شویم که اختلال عمدتاً به دلیل تقصیر یک طرف بوده یا اقدام شخص باعث ایجاد اشتباه شده است. در این وضعیت عادلانه است که خسارت بر طرفی تحمیل شود که مقصر است. خسارتی که مابین خسارت کامل قراردادی (منفعت انتظار) و انکار کامل مسئولیت قرار می‌گیرد که همان خسارت ناشی از اعتماد می‌باشد (Fuller & Perdue, 1936: 31). در حقوق انگلیس در فرض بطلان ناشی از تدلیس نیز بهترین راه حل جبران، پرداخت خسارات ناشی از اعتماد دانسته شده است (Taylor, 1982: 141).

مهم‌ترین پرسشی که در این باب ممکن است مطرح شود این است که آیا در نظام حقوقی ایران، این قبیل خسارات قابل جبران هستند یا خیر؟ تبیین انتساب بطلان قرارداد در قالب تقصیر و مستقیم بودن خسارات مورد بحث از مهمترین موانعی است که بر سر امکان مطالبه آن وجود دارد و باید مورد تحلیل قرار گیرد. در مرحله بعد این پرسش مطرح می‌شود که اگر چنین مسؤلیتی وجود دارد نوع و مبنای آن چیست؟ و قلمرو آن تا کجاست؟ مطابق بررسی‌های نگارنده، پرسش‌های مذکور

در نظام حقوقی ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته و پژوهش مستقلی در خصوص آن صورت نگرفته است. مطالعات حقوق مدنی در فرض بطلان قرارداد بر بحث ضمان ید و لزوم استرداد عین و منافع متمرکز است. این مقاله با روشی توصیفی-تحلیلی به دنبال ارائه پاسخ به پرسش‌های مذکور است.

مکان مطالبه خسارت در فرض بطلان قرارداد

هرگاه عقد باطل باشد، به علت این که هیچ اثری در تملک ندارد، عوض بدون استحقاق نباید در ید طرف مقابل باقی بماند و او ملزم به استرداد آن است. این الزام در هر موردی که کسی بدون مجوز بر مال غیر سلطه پیدا می‌کند حاکم است و نوعی ضمان قهری است؛ اما مسئولیت مدنی در معنای خاص تلقی نمی‌شود. صرف بطلان قرارداد وسیله جبران خسارت نیست؛ بلکه حکم وضعی قرارداد است دال بر عدم تحقق ماهیت در عالم اعتبار. ممکن است انعقاد قرارداد با وجود شرایط بطلان، موجب خساراتی به طرف مقابل شود. بنابراین حکم بطلان قرارداد منافاتی با درخواست زیان‌های ناشی از بطلان ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۱۹).

نوع مسئولیت در فرض بطلان قرارداد

مسئولیت مدنی با توجه به نوع تعهد و تکلیف نقض شده به دو دسته کلی مسئولیت قراردادی و قهری تقسیم می‌گردد. هر چند این تقسیم بندی در فقه بیان نشده اما با دقت در احکامی که توسط فقها صادر شده می‌توان تأثیر منشأ مسئولیت را در صدور آن؛ مشاهده کرد. لذا مسئولیت ناشی از بطلان قرارداد را نیز می‌توان در دو گونه مذکور بررسی کرد.

۱. مسئولیت قراردادی

مسئولیت قراردادی، مسئولیت شخصی است که تعهدی را به موجب عقدی از عقود معین یا غیر معین پذیرفته و به علت نقض قرارداد اعم از عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد خسارتی به متعهدله وارد نماید که در این صورت مکلف به جبران خسارت وارده می‌باشد (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۴۸). در صورتی که یک قرارداد به صورت صحیح واقع شود، تمامی آثار اصلی و فرعی مربوط به آن نیز به صورت کامل ایجاد می‌شود و پس از آن برای طرفین حقوق و تعهدات خاصی به وجود می‌آید. در نتیجه اگر هر یک از آن‌ها به تعهدات خود در مقابل طرف دیگر عمل نکند، شخصی که متضرر شده است می‌تواند به دادگاه

منتسب به یک شخص باشد نمی‌توان بدون در نظر گرفتن قصور یا عدم قصور وی، خطا محسوب نمود و وی را مکلف به پرداخت خسارات دانست. چون علاوه بر اینکه در مواردی شخص از دلایل بطلان آگاهی ندارد، حتی ممکن است نمی‌توانسته آگاهی داشته باشد و محکوم کردن وی به جبران خسارات نیز غیرمنطقی است.

از جهت دیگر هرچند دلیل سرایت بطلان عقد اصلی به شرط این است که معمولاً دو طرف قصد می‌کنند که شرط تابع عقد و از فروع آن باشد که در اینصورت با بطلان عقد، شرط نیز باطل و فاقد اثر خواهد بود و می‌توان از نظریه ایرینگ چنین دفاع کرد که در این حالت طرفین تمایل دارند برای حالتی که عقد باطل است تعیین تکلیف و قلمرو مسئولیت خود را تعیین کنند؛ لذا توافق آن‌ها تابع عقد اصلی قرار نمی‌گیرد و خود قراردادی است با آثار ویژه که در قالب شرط بیان شده است. اما این استدلال از دو جهت قابل خدشه است: اول اینکه استنباط چنین شرطی از اراده طرفین مشکل است. به نظر نمی‌رسد طرفین در زمان انعقاد عقد، توجهی به فرض بطلان قرارداد و نحوه جبران خسارات ناشی از آن داشته باشند. دوم اینکه در مواردی که علت بطلان، فقدان قصد و اراده می‌باشد نمی‌توان تصور کرد عقد اصلی به دلیل فقدان اراده باطل باشد ولی عقد فرعی همچنان به قوت خود باقی بماند.

بر اساس آنچه بیان شد، در حقوق ایران مسئولیت ناشی از بطلان قرارداد را باید بر پایه مسئولیت قهری بررسی کرد زیرا با بطلان قرارداد تغییری در حقوق و تعهدات ایجاد نمی‌شود و در حکم هیچ است. با این حال اگرچه از لحاظ ماهیت و هدف از جبران خسارت تفاوت مشخصی بین این دو قلمرو وجود دارد، اما از جهت نتیجه و شیوه محاسبه نباید تفاوت فوق‌العاده‌ای بین مسئولیت قراردادی و قهری قائل شد (رنجبر، ۱۳۹۵: ۳۳).

قلمرو خسارات در فرض بطلان قرارداد

اشخاص از انعقاد قرارداد بالاخص عقود معاوضی به دنبال تحصیل منافع و مزایایی برای خود یا دیگران هستند که عدم

مراجعه کند و با استناد به قرارداد از محکمه بخواهد که طرف قرارداد را مجبور به انجام تعهدات قراردادی خود کند.

ایرینگ^۱ حقوقدان معروف آلمانی معتقد است که عقد علی‌رغم باطل بودن، به عنوان اینکه عقد است نه به عنوان یک واقعه مادی، تعهد به جبران خسارت را به وجود می‌آورد و شخص به مقتضای خود عقد باطل متعهد می‌شود که زیان وارد شده بر طرف مقابل را جبران نماید. سبب بطلان منتسب به هر یک از طرفین که باشد خود او باید جبران خسارت را بر عهده بگیرد نه طرف مقابل که با حسن نیت وارد یک رابطه قراردادی شده است چون که شخص باید از اسباب بطلان آگاهی داشته باشد. خسارات ناشی از بطلان قرارداد، دارای یک منشأ قراردادی است بدین صورت که هر شخصی با اقدام به انعقاد قرارداد، به موجب یک تعهد ضمنی متعهد می‌شود که عقد از ناحیه وی با بطلان روبرو نخواهد شد و متعهدند که قراردادی معتبر ببندند و به صرف انجام ندادن تعهد مسئول است. از نظر وی تمام آثار عقد باطل منتفی نمی‌شود بلکه متناسب با رکن یا شرطی که فاقد است باطل می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۲۰؛ دادمرزی و غیره، ۱۳۹۰: ۳۵۸-۳۵۹).

۲. مسئولیت غیر قراردادی

مسئولیت غیر قراردادی یا ضمان قهری در فرضی مطرح می‌شود که از تعهدهای قانونی و عمومی سرپیچی و منتج به اضرار غیر شود. ریشه این مسئولیت قرارداد بین طرفین نیست بلکه تخلف از تکالیف قانونی است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۸). در صورتی که یک قرارداد باطل باشد، آثار اصلی و به تبع آن، آثار فرعی قرارداد به وجود نمی‌آید و هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند طرف دیگر را براساس آن قرارداد به انجام تعهدات مربوط به قرارداد باطل وادار کند. به عبارت بهتر قرارداد باطل قابل استناد نیست و نمی‌توان به استناد آن ادعایی را مطرح یا دعوی را اقامه نمود. اگرچه در قسمت دوم ماده ۳۶۲ قانون مدنی از آثار عقد بیعی که صحیحاً واقع شده آمده است: «عقد بیع، بایع را ضامن درک مبیع و مشتری را ضامن درک ثمن قرار می‌دهد». اما این حکم که از ماده ۱۶۰۳ قانون مدنی فرانسه اقتباس شده، نمی‌تواند از آثار عقد بیع باشد و حق این بود که ضامن درک نتیجه فساد معامله و ناشی از حکم قانونی تلقی گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۲۲۳).

در رد نظریه ایرینگ می‌توان گفت صرف اینکه بطلان

۲. مشابه این استدلال در خصوص شرط عدم مسئولیت در ضمان درک هم مطرح شده است. گفته شده: «در این فرض، که خریدار و فروشنده مایلند برای حالتی که بیع باطل می‌شود روابط خود را تنظیم کنند و از بار مسئولیت یکدیگر بکاهند یا بر آن بیفزایند، توافق آنها تابع عقد قرار نمی‌گیرد و هرچند که به صورت شرط نیز در عقد بیاید، خود قراردادی است که با آثار ویژه‌ای که دارد باید بررسی شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۲۹)

منافع اقدام کند. برای استرداد عین یا عوض اموال و خدمات در فرض بطلان قرارداد می‌توان به مسئولیت استفاده بلاجهت یا دارا شدن بلاجهت استناد نمود (صفایی، ۱۳۶۴: ۲۵). هدف و فلسفه اصلی خسارت اعاده ای آن است که طرف ناقض به صورت ناعالانه دارا نشود (Wishart, 2008: 577).

در صورت تلف، معیوب یا ناقص شدن مال موضوع قرارداد نزد متصرف، باید میان عقود معوض که رد و بدل شدن مال در مقابل عوض متقابل می‌باشد و می‌توان آن را «عقود ضمانی» نامید و عقود غیر معاوضی یا «عقود امانی» تمایز قائل شد. در عقود ضمانی شخص گیرنده حسب مورد مسئول مثل یا قیمت مال خواهد بود اما در عقود امانی این مسئولیت در فرضی متصور است که متصرف مرتکب قصور اعم از تعدی یا تفریط شده باشد. این حکم منطبق با قاعده «کل ما یضمن بصحیحه یضمن بفساده و کل ما لا یضمن بصحیحه لا یضمن بفساده» است. (شهیدی، ۱۳۷۹: ۲۶)

منظور از منافع در خسارات استرداد منافع تقویت شده می‌باشد نه عدم النفع، اعم از این که شخص از منافع استفاده کرده باشد یا خیر. عدم النفع جلوگیری از ایجاد منفعت است در حالی که فوت یا تقویت منفعت از بین رفتن یا از بین بردن منفعت موجود است.

۲. خسارات انتظاری

منافعی که طرف قرارداد بر مبنای سیر طبیعی امور انتظار به دست آوردن آن را داشته است، خسارات انتظاری می‌نامند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۳۳). هدف خسارات انتظاری حمایت از ارزش انتظاری است که وعده خوانده برای خواهان ایجاد کرده است (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۷: ۱۶۸). خسارات انتظاری در نظام حقوقی کامن لا شامل دو عنصر اساسی که عبارتند از: از دست دادن عوض مورد معامله و از دست دادن منافع حاصل از آن. از دست دادن عوض مورد معامله در فقه و حقوق ما در برخی موارد موجب ضمان طرف مقابل و محکومیت وی به رد مثل یا قیمت می‌گردد اما خسارات از دست دادن منافع عوض مورد معامله به عنوان عدم النفع بررسی شده است (همان: ۱۷۸). خسارت از دست دادن عوض مورد معامله، عوضی است که شخص در نتیجه انعقاد عقد صحیح و اجرای تعهدات قراردادی انتظار بدست آوردن آن را داشته است نه عوضی که شخص به طرف مقابل پرداخت نموده و مشمول خسارات اعاده‌ای می‌گردد. مثلاً در فرضی که بعد از وقوع عقد بیع و قبل از تسلیم کالا، خریدار تقاضای تسلیم مبیع را بکند ولی فروشنده

اجرای تعهدات قراردادی یا تأخیر در اجرای آنها و حتی در فرض بطلان قرارداد؛ از دست دادن و محروم شدن شخص از آن منافع منتهی به خسارتی متناظر با آنها می‌شود (Leitzel, 2014: 88). در سال ۱۹۳۶ میلادی مقاله‌ای تحت عنوان «منفعت اعتماد در خسارات قراردادی»^۱ توسط دو حقوقدان آمریکایی به نام‌های فولر و پردو نوشته شد که منافع قید شده را در سه دسته کلی شامل منفعت اعاده، منفعت انتظار و منفعت اعتماد تقسیم بندی نمودند. با بررسی مصادیق قید شده در مقاله مذکور و سایر آثار نویسندگان کامن لا و آرای صادره از محاکم که به منافع ذکر شده استناد نموده‌اند مشخص می‌گردد که جایگاه این خسارات در حقوق کامن لا صرفاً منحصر به قراردادها در فرض صحت آن نیست و حتی مواردی مثل فسخ یا بطلان عقد و دوران پیش قراردادی را نیز در بر می‌گیرد (Gregory, 1996: 45). لذا قلمرو خسارات ناشی از بطلان قرارداد را می‌توان در سه دسته کلی بررسی نمود که در ذیل به آن می‌پردازیم.

۱. خسارات استرداد

منفعت اعاده‌ای یا خسارات اعاده‌ای عبارتست از: «منافع و اموالی است که شخص بر مبنای قرارداد به دیگران داده است و می‌تواند از طرف قرارداد بگیرد. مانند بهای کالایی که پرداخته و عوض آن را در نتیجه نقض قرارداد نگرفته است یا دستمزدی که به دیگران پرداخته و اکنون می‌تواند هزینه آن را بازستاند» (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۳۳). منفعت استرداد می‌تواند روش جبران خسارت مناسبی در نقض قراردادهای باطل و غیرقابل اجرا باشد (Gotanda, 2007: 4).

چنانچه بیان شد، عقد باطل در عالم حقوق تحقق پیدا نمی‌کند تا بتواند منشأ آثار حقوقی باشد اما در فرض اجرای تمام یا قسمتی از تعهدات قراردادی، عقد باطل به عنوان یک واقعه مادی می‌تواند تکلیف و تعهداتی را برای طرفین ایجاد کند که منشأ آن قراردادی نیست بلکه حقوق و تکالیفی است که قانونگذار برعهده اشخاص قرار می‌دهد. ماده ۳۶۶ قانون مدنی مقرر داشته: «هرگاه کسی به بیع فاسد، مالی را قبض کند باید آن را به صاحبش رد نماید و اگر تلف یا ناقص شود ضامن عین و منافع آن خواهد بود.» از این ماده چنین مستفاد می‌گردد که با بطلان قرارداد ید شخص ضمانتی می‌گردد لذا ضامن عین و منافع می‌باشد و باید نسبت به استرداد عین و

زیان دیده نفروخته بود به احتمال زیاد ملک دیگری خریداری می کرد و از افزایش قیمت بهره مند می شد در حالی که با بطلان عقد از این منفعت ممکن الحصول و فرصت مسلم خرید یک ملک مناسب محروم شده است. این خسارت از نوع عدم النفع می باشد (امیرمحمدی، ۱۳۹۵: ۳۰۲)، اما برخی معتقدند خریدار علاوه بر استرداد ثمن، صرفاً مستحق کاهش ارزش ثمن می باشد که براساس شاخص اعلامی از سوی بانک مرکزی محاسبه می گردد (شکاریان، ۱۳۹۵: ۱۶۴).

بر مبنای دیدگاه اول مشتری با اعتماد به صحت معامله اقدام به خرید ملک می کند و مستحق این افزایش قیمت است. بنابراین در فرض بطلان قرارداد می توان خسارت ناشی از افزایش قیمت مورد معامله را به عنوان عدم النفع و خسارت انتظاری مطالبه کرد. چون هدف از خسارات انتظاری قرار دادن شخص در موقعیتی است که اگر قرارداد صحیح بود در آن وضعیت قرار داشت. اما بر اساس نظر دوم، پرداخت ارزش پول بر مبنای نرخ بانک مرکزی پرداخت دین به ارزش واقعی آن است نه جبران غرامت. این تفاوت ارزش اسمی را خواه کاهش ارزش اقتصادی و واقعی اصل دین تلقی کنیم یا خسارت تاخیر تادیه در هر حال چیزی جز خسارت استردادی نخواهد بود.

۳. خسارات ناشی از اعتماد

اعتماد مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال است. در لغت به معنای تکیه کردن، متکی شدن به کسی، واگذاشتن کار به کسی، اطمینان، اتکا، دلگرمی، استظهار، وثوق به کار رفته است (عمید، ۱۳۹۰: ۲۰۱). خسارات ناشی از اعتماد، خساراتی هستند که طرف قرارداد به اعتماد و اتکای اجرای قرارداد و در نتیجه تغییر وضع خود متحمل می شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۳۳؛ Perdue & Fuller, 1936: 12). برخی نیز خسارات موصوف را تحت عنوان «زیانهای اتکایی» سرمایه گذاریهایی دانسته اند که در صورت بسته شدن قرارداد نهایی ارزشمند بوده و در غیر این صورت یعنی بسته نشدن قرارداد نهایی از ارزش آن کاسته شده یا ارزشی نخواهد داشت (طالب احمدی، ۱۳۹۲: ۳۶۲).

تعریف اول خسارات را از منظر عدم اجرای قرارداد بررسی نموده و تعریف دوم ناظر به دوران پیش قراردادی است، مگر اینکه بطلان قرارداد را نیز به نوعی عدم انعقاد قرارداد نهایی بدانیم. با این حال فرض فسخ عقد از تعریف خارج می شود. لذا در یک تعریف جامع می توان خسارات ناشی از اعتماد را خساراتی دانست که شخص در نتیجه سرمایه گذاری،

علیرغم فرا رسیدن موعد تحویل از تسلیم امتناع نماید در این حالت ید فروشنده نسبت به مبیع ضمانی خواهد بود و در صورت تلف مبیع مسئول مثل یا قیمت مبیع می باشد. این خسارات، خسارت انتظار می باشد اما اگر مبیع قبل موعد تسلیم بدون اهمال فروشنده تلف شود عقد بیع منفسخ و در نتیجه فروشنده مکلف به استرداد ثمن دریافتی می باشد که به آن خسارت استرداد گفته می شود. مسلماً در فرض بطلان قرارداد، خسارت از دست دادن عوض معنا ندارد چرا که حتی با فرض وجود عوض، با بطلان عقد دیگر قابل مطالبه نخواهد بود.

اما از دست دادن منافع انتظاری که در حقوق ما به عنوان عدم النفع شناخته می شود ممانعت از پیدایش منفعتی است که مقتضی آن حاصل شده باشد. مثل توقیف غیرقانونی شاغل به کار که موجب حرمان او از گرفتن مزد شده باشد. هنگامی که از عدم النفع سخن به میان می آید که در نتیجه عمل زیان بار، دارایی شخص فزونی نیافته است، در حالی که اگر این واقع رخ نمی داد بر طبق روند عادی امور و تجربه جاری و آماری زندگی این افزایش انجام می پذیرفت (درودیان، بی تا: ۶۰). در یک تعریف مختصر عدم النفع عبارت است از فوت شدن منافع محقق الحصولی که شخص از آن محروم مانده است (اصغری آقمشهدی، ۱۳۸۱: ۷۹).

با عنایت به اینکه یکی از موارد بطلان قرارداد مستحق للغير درآمدن مبیع می باشد که در صورت عدم تنفیذ، بطلان عقد کشف می شود و اینکه خصوصیتی در این مورد با سایر موارد بطلان عقد وجود ندارد می توان با وحدت ملاک از رای وحدت رویه شماره ۷۳۳-۱۳۹۳/۰۷/۱۵ به بررسی این موضوع پرداخت که آیا خسارات انتظاری در فرض بطلان قرارداد قابل مطالبه است؟ طبق رای وحدت رویه مذکور: «به موجب ماده ۳۶۵ قانون مدنی، بیع فاسد اثری در تملک ندارد، یعنی مبیع و ثمن کماکان در مالکیت بایع و مشتری باقی می ماند و حسب مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مرقوم، اگر بعد از قبض ثمن، مبیع کلاً یا جزئاً مستحق للغير درآید، بایع ضامن است و باید ثمن را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، از عهده غرامات وارد شده بر مشتری نیز برآید و چون ثمن در اختیار بایع بوده است در صورت کاهش ارزش ثمن و اثبات آن، با توجه به اطلاق عنوان غرامات در ماده ۳۹۱ قانون مدنی بایع قانوناً ملزم به جبران آن است...». در تفسیر این رای حقوقدانان دو نظر ارائه نموده اند. نظر اول اینکه محاکم برای جبران کاهش ارزش ثمن معامله باطل باید بایع را به پرداخت قیمت روز مبیع محکوم نمایند چرا که اگر فروشنده ملک غیر را به

می‌توان گفت به‌موجب اصل اعتماد طرف‌های معامله مجازند به‌طرف دیگر اعتماد کنند و اعتماد شونده ملزم به سوء استفاده نکردن از حق مزبور و وارد نکردن زیان نارو به وی می‌باشد، مگر اینکه قرینه و اماره‌ای برخلاف اعتماد کردن وجود داشته باشد. تعریف مذکور بیانگر این است که اعتماد در فقه از معنای لغوی دور نیست چرا که بنا به تعریف مزبور، طرفین معامله به قول، فعل یا خصوصیت موجود در طرف دیگر معامله تکیه می‌کند و بر اساس آن به وجود شرایطی که در حکم وضعی یا تکلیفی مؤثر می‌باشد، علم عادی یا اطمینان عرفی پیدا می‌کند، بدون اینکه شخصاً متعلق علم عادی را مورد بررسی و تفحص قرار دهند (علیزاده، ۱۳۸۲: ۵۸). همچنین در بحث قاعده غرور و شرایط تحقق آن فقها بیان داشته‌اند؛ برای تحقق ضمان ناشی از غرور مانند سایر موارد مسئولیت مدنی، فعل زیانبار شرط می‌باشد. این فعل می‌تواند فعل حقوقی باشد مثل اینکه شخص مال دیگری را به‌عنوان مال خود بفروشد یا هر نوع معامله دیگری روی آن انجام دهد و یا آنکه با تظاهر به داشتن اذن از سوی دیگری این اعمال را واقع سازد (میرزای قمی، ۱۳۷۱: ۱۰۵). در عقد فاسد نیز هرگاه یک‌طرف از فساد عقد آگاه نباشد، انعقاد و تکمیل آن توسط فرد آگاه، از مصادیق غرور محسوب می‌شود هرچند فساد مذکور با ادعای بایع در مورد مالکیت مورد معامله، ارتباطی نداشته باشد (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۷: ۱۸۳). هزینه‌هایی که برای انجام معامله پرداخت می‌شود مانند حق الزحمه دلال، دستمزد کارشناسان، هزینه تحریر سند معامله و هرآنچه از لوازم معامله محسوب شود بخشی از خسارات می‌باشد. اما آنچه که به‌طور متعارف از لوازم معامله تلقی نمی‌گردد مانند بخشش‌ها، مسامحه در پرداخت بیشتر بابت ثمن کالا و سور دادن مشمول قاعده نمی‌گردد. اعمالی که در عرف اجرت مشخص دارد و شخص مغرور برای تحقق یافتن معامله شخصاً انجام آن‌ها را عهده‌دار می‌شود و انجام می‌دهد می‌تواند از غار مطالبه کند (همان: ۱۷۸).

در قوانین مدون نیز می‌توان مواد ۲۶۳ و ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مدنی و قید عبارت «گرامات» در مواد مذکور را به عنوان خسارت ناشی از اعتماد تلقی نمود. چنانچه نظریه ۷/۱۱۷۲۴ - ۳۰/۱۱/۱۳۷۹ اداره کل حقوقی قوه قضائیه بیان داشته: «منظور

تغییر در وضعیت حقوقی خود و از دست دادن فرصت‌های معاملاتی به جهت اعتماد و اتکای به انعقاد، ابقا، صحت و اجرای کامل قرارداد متحمل می‌شود. گاه عقد بنا به عللی که منتسب به یکی از طرفین می‌باشد باطل یا قابل ابطال می‌باشد در حالی که طرف مقابل به صحت آن اعتقاد داشته و با اعتماد بر این اعتقاد هزینه‌هایی را انجام داده یا معاملاتی کرده است. با بطلان عقد به این شخص خساراتی وارد می‌شود که آن را پیش بینی نکرده است.

تفاوت زبان‌های انتظاری با زبان‌های اتکایی یا همان زبان‌های ناشی از اعتماد آن است که هدف از زبان‌های اتکایی قرار دادن شخص زیان دیده در همان موقعیتی است که اگر هرگز وارد یک رابطه قراردادی نمی‌شد در آن جایگاه قرار داشت. اما هدف از زبان‌های انتظاری قرار دادن شخص در موقعیت و جایگاهی است که در صورت عدم نقض قرارداد در آن موقعیت بود. در واقع در حالی که زبان‌های انتظاری از منافع شخص زیان دیده حمایت می‌کند، زبان‌های ناشی از اعتماد از سرمایه شخص حمایت می‌کند (Leitzel, 2014: 90). از آنجا که معیار استرداد و اتکایی معمولاً خسارت کمتری را فراهم می‌کنند؛ به طور کلی تنها زمانی به کارگرفته می‌شوند که معیار انتظاری در دسترس نباشد از جمله اینکه دلیل کافی برای اثبات خسارت انتظاری وجود نداشته باشد یا قرارداد به جهت نقض اساسی غیرقابل اجرا یا باطل باشد (Slawson, 1990: 198)

جایگاه مسئولیت ناشی از اعتماد در فقه و حقوق ایران

در حقوق ایران به صراحت قاعده اعتماد قید نشده اما با تفحص در منابع فقهی و حقوقی مشخص می‌گردد که حقوق ما با این مفهوم بیگانه نیست. در فقه تعریف اصطلاحی و مجزایی از اعتماد ذکر نشده اما با توجه به برخی ادله و مؤیدات نقلی^۱

۱. از جمله روایت‌هایی از امام صادق (ع) که بیان داشته‌اند: «غبن المسترسل سحت»؛ فریب کسی که اعتماد کرده حرام است. «قلت فأخرج الکر و الکرین، فیقول الرجل، أعطنیه بکیلک، فقال: إذ ائتمنک فلا بأس به»؛ ابوعطار می‌گوید به حضرت صادق (ع) عرض کردم یک یا دو کر از طعام را خارج کردم، شخصی می‌گوید آن یک کر یا دو کر را با همان پیمانانه کردن خودت به من بفروش حکم معامله چیست؟ حضرت در جواب فرمودند: اگر به تو اطمینان و اعتماد دارد اشکال ندارد. «سألت أبا عبد الله (ع) عن الرجل يشتري الجصَّ فیکیل بعضه و يأخذ البقیه بغیر الکیل، فقال: اما ان يأخذ کله بتصدیقہ و إما أن یکیله کله». ابن بکیر می‌گوید از حضرت صادق (ع) درباره مردی که گچ می‌خرد سؤال کردم و پرسیدم حکم معامله او که

مقداری از گچ‌ها را پیمانانه می‌کند و بقیه آنها را بدون پیمانانه می‌خرد چگونه است؟ حضرت فرمودند: یا همه گچ‌ها را به واسطه تصدیق بایع بپذیرد یا همه آنها را پیمانانه کند. عبارت «اما ان يأخذ کله بتصدیقہ» دلالت بر اعتماد بر قول یا فعل طرف معامله و جواز اتکا به علم عادی حاصل از آن دارد.

متعهدله می‌گردد؛ ولی تفاوت آنها در این است که اعتماد سودبخش اختیاری است و شخص می‌تواند از هزینه صرف نظر کند که در این صورت صرفاً منافع شخص کاهش می‌یابد اما اعتماد ضروری اختیاری نیست و صرف نظر کردن از هزینه به معنای نقض قرارداد می‌باشد. (Eisenberg, 2003: 1340-1341)

شرایط مسئولیت مدنی ناشی از اعتماد در فرض بطلان قرارداد

در مسئولیت ناشی از اعتماد نیز شرایط عمومی لازم برای تحقق مسئولیت مدنی ضروری است. مسئولیت و تکلیف شخص به جبران خسارت وارده به دیگری منوط به تحقق و اثبات ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت می‌باشد. بررسی این موارد از جهت بررسی تنوع ضرر در مسئولیت ناشی از اعتماد و احراز شرایط تحقق اعتماد، مفید خواهد بود.

۱. زیان ناشی از اعتماد

نخستین رکن یا شرط تحقق مسئولیت مدنی ضرر است. در حقوق کامن لا نیز که مسئولیت ناشی از اعتماد در قالب قاعده استاپل قرار می‌گیرد، زیان یا تضییع حقوق شخص مدعی استاپل شرط است و چنانچه ضرر یا آسیبی به مدعی وارد نشود استاپلی نیز تحقق نمی‌یابد (افتخار جهرمی، ۱۳۸۳: ۶۲). ضرر نیز دارای اقسام مختلفی است.

۱-۱. مفهوم ضرر در مسئولیت مدنی ناشی از اعتماد

ضرر تلف یا نقص اموال یا فوت منفعت یا لطمه به سلامت و حیثیت و عوطف اشخاص تعریف شده است (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۶۸). به عبارت دیگر کاستن از دارایی شخص یا جلوگیری از فزونی آن به هر عنوانی که باشد را می‌توان ضرر نامید و میزان آن تفاوت میان دارایی فعلی زیان دیده و دارایی سابق او است، در صورتیکه فعل زیان‌بار رخ نمی‌داد (محمدی، ۱۳۹۵: ۸۵). ضرر دارای معنای عرفی است و برای درک مفهوم آن باید به عرف مراجعه کرد. عرف ضررهایی را قابل جبران می‌داند که فراتر از ضررهای متعارف لازمه زندگی در اجتماع باشد (صفایی، ۱۳۹۲: ۹۷).

فایده خسارات ناشی از اعتماد و تمایز آن از سایر خسارات نمودار ساختن زیان‌های گوناگون اقتصادی است که ممکن است در دو قالب سنتی تلف مال و فوت منفعت قرار نگیرد و جبران آن را با تردید مواجه سازد. مثلاً در مواردی که

از غرامت‌وارده، خسارات و مخارجی است که مشتری در معامله مربوط متحمل گردیده است نظیر مخارج دلالی و باربری و تعمیرات و امثال آن...» که در واقع ضمان درک را از مسئولیت قراردادی موضوع ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی مجزا دانسته و غرامات را اختصاص به هزینه‌هایی می‌داند که برای انعقاد قرارداد یا به اتکای آن زیان دیده متحمل شده است. همچنین مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ ذیل مبحث ضمان درک آمده است. مستقیم‌ترین معنی ضمان، مسئولیت جبران خسارت ذکر شده و در نتیجه مفهوم اصلی ضمان درک مسئولیت فروشنده در جبران خسارت ناشی از بطلان عقد است. وقتی از قرارداد باطل مسئولیتی ایجاد می‌شود هدف بازگرداندن وضع زیان دیده به قبل از فعل زیان‌بار یعنی انعقاد قرارداد باطل است. بنابراین خسارت قابل مطالبه هزینه‌هایی است که زیان دیده برای انعقاد قرارداد یا به اعتماد وجود یک قرارداد صحیح متحمل می‌شود (رنجبر، ۱۳۹۵: ۳۷).

انواع اعتماد

برای شناخت خسارات ناشی از اعتماد و معقول بودن یا نبودن اتکا، بررسی انواع اعتماد ضروری است.

۱. اعتماد سودبخش

منظور اعتمادی است که ارزش قرارداد را برای متعهدله افزایش می‌دهد. مثلاً قبل از اینکه متعهد به تعهد خود در خصوص ساخت و تحویل انبار اقدام کند، متعهدله کالاهایی را جهت انبار کردن خریداری می‌کند تا بتواند از سود افزایش قیمت آتی استفاده کند یا وسایلی را برای تجهیز انبار خریداری می‌کند که باعث بالارفتن ارزش انبار خواهد شد.

۲. اعتماد ضروری

یک طرف قرارداد در اغلب موارد ضرورتاً هزینه‌هایی را متحمل شود که برخی از این هزینه‌ها در راستای ایفای تعهدات لازم است و برخی به عنوان مقدمه اجرای تعهدات قراردادی محسوب می‌شود. مثلاً در یک قرارداد برای تبلیغ کنسرت لازم است که شخص متعهد ابتدا مکانی را اجاره کند که به آن هزینه‌مقدماتی گفته می‌شود. یا جایی که شخص تعهد به فروش یک تن سیب می‌کند باید هزینه‌هایی را برای خرید سیب متحمل شود که به آن هزینه اجرا گفته می‌شود. اعتماد ضروری هرچند می‌تواند به عنوان بخشی از اعتماد سودآور تلقی شود چرا که در نهایت باعث منتفع شدن

شخص به امید دستیابی به ملک مورد معامله در جهت تهیه ثمن معامله و برخلاف میل خود اقدام به فروش خودروی شخصی‌اش می‌کند با بطلان معامله نمی‌توان تغییر در وضعیت معاملاتی وی را نادیده گرفت (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۳۳).

در فرض بطلان قرارداد، ضرر ممکن است در دو مرحله پیش قراردادی و بعد از انعقاد ظاهری قرارداد باطل حادث شود. برخی خسارات مربوط به دوران پیش قراردادی است مثل هزینه کارشناسی موضوع معامله، حق‌الزحمه دلال، حق‌الوکاله وکیل جهت تنظیم قرارداد. چنین مسئولیتی به جهت اتکای منطقی طرفین به یکدیگر در طول مذاکرات می‌باشد (Banakas, 2009: 4) و برخی خسارات نیز بعد از انعقاد ظاهری قرارداد باطل ایجاد می‌شود مثل هزینه نگهداری موضوع قرارداد، تعمیرات صورت گرفته بر روی مورد معامله. بعضی از خسارات نیز ممکن است در هر دو مرحله حادث شود. مثل از دست دادن فرصت‌های معاملاتی.

۱-۲. انواع و اقسام ضرر

تعیین میزان دقیق خسارت در مسئولیت ناشی از اعتماد، دشوار است. زیرا پرداخت خسارت، باید زیان‌دیده را در وضعیتی قرار دهد که اگر قرارداد منعقد نمی‌شد، در آن وضعیت قرار داشت. این خسارات می‌تواند شامل هزینه فرصت، کار انجام شده یا مبالغ هزینه شده باشد. میزان این خسارت، نمی‌تواند بیش از منفعت مورد انتظار در قرارداد باشد. (Jaffey, 1997:4) خسارات ناشی از اعتماد در فرض بطلان قرارداد را می‌توان به شش گروه تقسیم نمود:

اول: هزینه‌هایی که عوض آن در دارایی زیان دیده وجود دارد مثلاً جهت انبار کردن کالای خریداری شده محلی را خریداری یا اجاره نموده است. در فرض بطلان قرارداد، ممکن است طرف معامله امکان استفاده از آنها را نداشته باشد، به عبارت دیگر هزینه‌های مذکور با فرض انعقاد قرارداد برای طرف زیان‌دیده مطلوبیت داشته است. اگر طرف قرارداد به هر نحوی دیگری امکان استفاده را داشته باشد، ضرر منتفی است. برای نمونه شخص، کالای مورد نظر را از فروشنده دیگری می‌خرد و استفاده مطلوب از انبار مهیا شده، انجام می‌شود. اما در فرضی که این قبیل هزینه‌ها، کلاً یا برای مدتی بلا استفاده می‌ماند یا با افت قیمت فروخته می‌شود، عرفاً می‌توان آنها را جزء خسارات ناشی از اعتماد در نظر گرفت. مثلاً اگر شخص کالایی را خریداری کند و برای استفاده بهتر، یک دستگاه پردازش نیز تهیه کند؛ در صورت بطلان قرارداد، سرمایه‌گذاری

شخص در خصوص دستگاه پردازش بیهوده خواهد بود و شخص متضرر می‌شود البته مشروط بر اینکه خریداری نتواند کالای خود را از جای دیگری تهیه کند و مجبور به بازفروش دستگاه به قیمت کمتری شود (Craswell, 1996: 490)

دوم: هزینه‌هایی که عوض آن در دارایی زیان دیده وجود ندارد و با بطلان قرارداد نیز هدف از این هزینه‌ها منتفی می‌شود. مثل هزینه‌های کارشناسی، تهیه طرح، حق‌الزحمه دلال، حق‌الوکاله وکیل.

سوم: زیان محروم ماندن از سود هزینه‌های انجام شده. هزینه‌های ناشی از موارد فوق سبب می‌شود که زیان دیده، برای مدتی از بخشی از سرمایه و وجوه در گردش خود محروم بماند. به عبارت دیگر زیان دیده، مبالغی را به مناسبت قرارداد، صرف کرده است که ممکن بود با سرمایه‌گذاری آن در محلی دیگر، کسب سود نماید و اینک از این سود محروم مانده است. اما آیا این مورد، خسارتی قابل مطالبه است یا خیر؟ راه حلی که برای جبران چنین خسارتی قابل طرح است، این است که هزینه‌های صورت گرفته، در صورتی که به عنوان خسارت ناشی از اعتماد قابل جبران باشد، به قیمت روز محاسبه گردد. برای مثال در فرضی که بین انعقاد و اعلام بطلان قرارداد فاصله زمانی قابل توجه وجود دارد، حکم به پرداخت عین هزینه‌ها، با توجه به تورم، منصفانه به نظر می‌رسد. در تأیید این راهکار می‌تواند به مفاد رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ دیوان عالی کشور استناد کرد.

چهارم: تغییر در وضعیت معاملاتی شخص. مثل این که شخص به اتکای صحت معامله و برای به دست آوردن ملک مورد معامله مجبور به فروش خودروی خود می‌شود یا به امید به دست آوردن شغل موضوع قرارداد از شغل قبلی خود استعفا می‌دهد یا تسهیلاتی را از بانک اخذ می‌کند. در پرونده معروف Hoffman علیه فروشگاه‌های Red Owl دو طرف مذاکرات گسترده‌ای را به منظور کسب امتیاز Red Owl انجام دادند و این اطمینان حاصل شد که این امتیاز در قبال ۱۸۰۰۰ دلار واگذار می‌گردد. Hoffman با اعتماد به این مذاکرات، مغازه خود را فروخت و با شناسایی منطقه‌ای برای تاسیس فروشگاه، خانه‌ای را نیز نزدیک به محل اجاره کرد. به جهت تغییر عقیده خواننده به واگذاری در قبال مبلغ ۳۴۰۰۰ دلار، مذاکرات خاتمه یافت و Hoffman خواستار خسارات ناشی از تغییر در وضعیت خود شد. دادگاه چنین رای داد که اگرچه هرگز بین طرفین در خصوص شرایط اساسی توافق صورت نگرفته است و توافقات صورت گرفته برای

کند حتی اگر فروشنده بتواند همان خودرو را به دیگری بفروشد؛ زیرا اگر معامله اول باطل نمی‌شد فروشنده می‌توانست خودروهای بیشتری را به فروش برساند (Slawson, 2003: 851).

ششم: خسارت معنوی ناشی از بطلان قرارداد. بطلان قرارداد خواه ناخواه موجب تألم و ناراحتی شخص می‌گردد. صرف ناراحتی را نمی‌توان با خسارت معنوی یکسان دانست. بنابراین باید مرزی میان آن‌ها ترسیم کرد؛ لذا باید علت مستقیم ورود خسارت، بطلان قرارداد باشد و خسارت وارده خیلی بعید و دور از ذهن نباشد زیرا ضرری که پیش بینی نمی‌شود از خطای خواننده دور می‌افتد و غیرقابل جبران تلقی می‌شود (شعاریان، ۱۳۹۰: ۳۸۲). از جمله این خسارات ناشی از قراردادهایی است که بطلان آن‌ها می‌تواند به اعتبار تجاری یک تاجر لطمه وارد کند. مثل موردی که تاجر به اعتماد صحت قرارداد و تحصیل ثمن معامله، اسناد تجاری صادر نموده و با بطلان قرارداد کلیه اسناد منتهی به واخواست شده و اعتبار وی خدشه دار شود.

۲. فعل زیان بار

یکی از ارکان مهم مسئولیت مدنی وجود فعل زیان بار است. این عمل زیان بار می‌تواند مثبت یا منفی و حقوقی یا مادی باشد. در فرض بطلان قرارداد بیشتر فعل مثبت حقوقی متصور است. مانند فروش مال غیر که با رد معامله توسط مالک عقد باطل خواهد بود (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۱۲۱). در بطلان قرارداد فعل زیانبار نفس انعقاد قرارداد نامعتبر می‌باشد به همین جهت جبران خسارت به معنی بازگرداندن وضعیت زیان دیده به حالت قبل از انعقاد قرارداد است (رنجبر، ۱۳۹۵: ۲۳).

مبنای اصلی مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران، نظریه تقصیر است لذا فعل زیان بار باید تقصیر محسوب شود تا شخص مسئول خسارت شمرده شود (صفایی، ۱۳۹۲: ۱۴۹). خسارت اتکایی در فرض بطلان قرارداد نیز ناشی از تسبیب می‌باشد و نیاز به احراز تقصیر است. برای احراز تقصیر، فعل خواننده با رفتار انسان متعارف مقایسه می‌شود و معیار این مقایسه نوعی است، بدون لحاظ حالات روانی و ضعف و هوشیاری فاعل فعل زیان بار. بنابراین صغیر نیز مسئول شناخته می‌شود. ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی نیز منطبق با این تفسیر است (یزدانیان، ۱۳۹۲: ۱۵۱؛ ادیب، ۱۳۹۱: ۱۱۳). حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا انعقاد قرارداد باطل می‌تواند تقصیر محسوب شود؟ به نظر می‌رسد، تنها در فرضی می‌توان انعقاد

تشکیل قرارداد کفایت نمی‌کند اما از باب استاپل ناشی از وعده^۱ این خسارات قابل مطالبه است؛ (Schwartz, 2007: 669; Scott, 2007: 17)

در حقوق ما به نظر می‌رسد قرار گرفتن چنین مواردی در زمره خسارات اتکایی وابسته به قضاوت عرف در خصوص مستقیم بودن ضرر و انتساب آن به طرف مقابل است. برای مثال، در فرضی که شخص برای تهیه عوض یک قرارداد، معاملاتی را انجام می‌دهد، (برای نمونه خانه‌اش را می‌فروشد یا تسهیلاتی از بانک دریافت می‌کند). عرف، رابطه سببیت بین تقصیر طرف مقابل با ضررهای ناشی از این معاملات را محرز نمی‌شمارد. انجام چنین معاملاتی ناشی از وضعیت مالی شخص بوده است. به عبارت دیگر، انجام آنها لازمه انعقاد معامله نبوده است. در مقابل در فرضی که شخص به اعتماد قرارداد کاری یا استخدامی جدید، رابطه سابق خود را قطع می‌کند، این سببیت عرفی محرز به نظر می‌رسد، چرا که لازمه پذیرش شغل جدید، قطع رابطه سابق است.

پنجم: از دست دادن فرصت‌های معاملاتی: شخص با ورود به مذاکرات قراردادی و به امید انعقاد قراردادی با شرایط اساسی صحت فرصت معامله با دیگران را از دست می‌دهد. فرصت از دست دادن انعقاد سایر قراردادها از جمله خساراتی است که در خصوص اینکه جز زیان‌های اتکایی محسوب می‌شود یا نه اختلاف نظر وجود دارد و با یک تفسیر موسع از منفعت اعتماد می‌توان آن را شامل این دسته از خسارات دانست (Geoffrey, 2001: 198). خود فرصت از دست رفته را نباید نادیده گرفت و از دست دادن آن یک ضرر بالفعل و مسلم است. ناتوانی در ارزیابی دقیق خسارت نمی‌تواند یک مانع برای پرداخت زیان در رابطه با نقض وظیفه‌ای باشد که شخص در آن مقصر دانسته شده است (Fischer, 2001: 609). فوت فرصت تا حدودی بر احتمال استوار است و اگر این احتمال ضعیف باشد مسئولیت مدنی ایجاد نمی‌شود اما اگر شانس از دست رفته جدی باشد فوت آن، ضرر شمرده می‌شود و باید جبران شود (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۲۰۰؛ کاظمی، ۱۳۸۰: ۱۹۷). برای مثال یک تولیدکننده عمده خودرو می‌تواند به طور معمول خودروهای زیادی را به فروش برساند. بنابراین اگر یک خریدار کالایی را خریداری کند اما قرارداد به دلایلی که متناسب به وی می‌باشد باطل شود، در اینصورت فروشنده می‌تواند خسارت ناشی از دست دادن فرصت را از وی مطالبه

1. promissory estoppels

قرارداد باطل را تقصیر طرف قرارداد در نظر گفت که علت بطلان قابل انتساب به او باشد. به عبارت دقیق‌تر، عمل انعقاد قرارداد توسط یک شخص در فرضی که سبب بطلان منتسب به اوست می‌تواند تقصیر محسوب شود. در تبیین این تقصیر می‌توان گفت، انسان متعارف با وجود یکی از موجبات بطلان قرارداد، نسبت به انعقاد آن اقدام نمی‌کند.

سؤال دیگری که ممکن است مطرح شود این است که آیا علم طرف قرارداد به وجود علت بطلان برای احراز تقصیر لازم است؟ در پاسخ باید گفت؛ مبنای دیگر مسئولیت مدنی ناشی از اعتماد در فرض بطلان قرارداد، غیر از تسبیب، قاعده غرور می‌باشد. در فقه در خصوص این امر که آیا علم و اطلاع غار از واقع شرط است یا نه اختلاف وجود دارد. در اینکه مغرور باید جاهل باشد اتفاق نظر وجود دارد اما برخی از فقها علم و اطلاع فریب دهنده را شرط می‌دانند (حکیم، بی‌تا: ۲۶۹؛ خمینی، ۱۴۱۰: ۳۶۷؛ خوئی، ۱۳۷۷: ۱۰۰) در مقابل عده‌ای از فقها علم فریب دهنده را شرط ندانسته و تقصیر فریب دهنده را جایگزین علم و اطلاع قرار داده‌اند (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۷۰؛ مراغه‌ای، ۱۴۱۳: ۴۴۱). در جمع این دو نظر گفته شده است هرگاه تقصیری به فریب دهنده نسبت داده شود، غرور تحقق می‌یابد زیرا برای احراز رابطه سببیت بین فعل مغرور کننده و اغوای فریب خورده کافی است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۷۰). بنابراین به نظر می‌رسد برای صدق انتساب بطلان به یکی از طرفین، کافی است که آن موضوع مربوط به او و در حیطة عمل او باشد. برای مثال، زمانی که شخصی عین معینی را به دیگری می‌فروشد و بعداً مشخص می‌شود مبیع، قبل از انجام معامله، از بین رفته بوده، بطلان معامله، منتسب به فروشنده است، اعم از اینکه آگاه بوده باشد یا خیر. کما اینکه در ضمان درک، مسئولیت بایع فضولی در جبران خسارات وارده به خریدار با حسن نیت، فرع بر علم بایع به عدم مالکیت خود نیست. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۲۷) در صورت علم فروشنده به مستحق للغیر بودن مبیع تقصیر وی محرز است و اگر جاهل یا در اشتباه باشد به جهت بی‌دقتی یا عدم بررسی مالکیت خود هنگام معامله، مسئول می‌باشد (طالب احمدی، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

فرض دیگر در مسئولیت مدنی ناشی از اعتماد در فرض بطلان قرارداد فقدان اهلیت می‌باشد. هدف از وضع این شرط حمایت از شخص فاقد اهلیت است. با وجود این، در فرضی که سبب بطلان، عدم اهلیت یکی از طرفین است، آیا می‌توان طرف محجور را مسئول دانست؟ بدیهی است که این سؤال در فرضی مطرح می‌شود که طرف مقابل علم به حجر نداشته باشد

و بر اساس اوضاع و احوال نیز امکان تشخیص محجور بودن طرف برای او وجود نداشته باشد. باید توجه داشت که مسئولیت در اینجا از نوع مسئولیت مدنی قهری و مبتنی بر تقصیر است. «داوری درباره تقصیر جنبه نوعی دارد نه شخصی. برای تشخیص اینکه کودکی مقصر است یا خطا کار نیست، کار او با انسانی بالغ و معقول مقایسه می‌شود نه با کار کودکان.» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۵۱) بنابراین، بطلان ناشی از عدم اهلیت یکی از طرفین قابل انتساب به محجور است و به موجب ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی ضامن خسارات هستند^۱.

۳. رابطه سببیت میان اعتماد زیان‌بار و زیان

شرط سوم برای تحقق مسئولیت مدنی، وجود رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ضرر می‌باشد. منظور از سبب، سبب تام یا علت تامه نیست بلکه عاملی است که ضرر مستند به رفتار اوست و عرف خسارت را به وی نسبت می‌دهد (صفایی، ۱۳۹۲: ۱۹۵؛ میرشکاری، ۱۳۸۹: ۸۸). یک تفاوت اساسی که رابطه سببیت در مسئولیت ناشی از اعتماد با سبب در سایر موارد مسئولیت مدنی دارد این است که برای احراز آن باید دو رابطه را بررسی نمود و عدم احراز هر یک به معنای فقدان رابطه سببیت است و این موضوع را می‌توان ناشی از این امر دانست که زیان‌های اتکایی از باب تسبیب قابلیت مطالبه پیدا می‌کنند. لذا باید اول رابطه بین فعل زیان‌بار و اعتماد معقول و در مرحله دوم رابطه بین اعتماد ایجاد شده و هزینه و اقدامات صورت گرفته احراز شود.

۳-۱. معقول بودن اعتماد

ضرر قابل جبران در زیان‌های اتکایی ضرری است که ناشی از اعتماد به رفتار یا اظهار طرف مقابل حادث شده باشد. در واقع باید فعل مغرور بر مبنای و اتکای به اقدام غار صورت گرفته باشد. چیزی که از روایت «المغرور یرجع الی من غره» و سایر روایات فهمیده می‌شود این است که حکم به مراجعه مغرور به فریب دهنده زمانی ثابت خواهد شد که فریب و خدعه به نحوی در اقدام و فعل مغرور دخیل باشد (موسوی خمینی، ۱۴۱۰: ۳۲۷). اگر این رابطه سببیت احراز نشود و رفتار طرف مقابل به هیچ وجه تحت تأثیر فعل وی قرار نگرفته باشد و شخص زیان دیده بر مبنای اظهار عامل زیان اقدام نکرده بلکه با تکیه بر مهارت یا سنجش شخصی یا بر مبنای تحقیقات و بررسی خود اقدام به

۱. برای دیدن نظر مخالف رک مسعودرضا رنجبر، تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد، ص ۳۱.

واردکننده زیان و ارباب وی از ارتکاب مجدد فعل زیان بار اشاره کرد (بادینی، ۱۳۸۳: ۱۰۳). شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی نیز بر اساس این کارکردها تعیین می‌شود. برخی حکم به الزام و پایبندی یک طرف یا طرفین به یک قرارداد باطل را به عنوان یک شیوه جبران خسارت نام برده‌اند. استدلال‌هایی از قبیل این که باید بین ضرر و شیوه جبران آن تناسب وجود داشته باشد؛ از بین بردن منبع ضرر و الزام به قرارداد باطل بهترین شیوه جهت جبران کامل خسارت خواهد بود و اختیار دادرس وفق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی در تعیین این شیوه جبران خسارات را در توجیه این نظریه بیان نموده‌اند. اما چنانچه خود نویسنده نیز اذعان داشته پذیرش این موضوع مستلزم بازنگری در شیوه‌های سنتی جبران خسارت است (محمدی، ۱۳۹۵: ۸۵ - ۸۹). برخی دیگر در باب مستحق للغیر درآمدن مبیع و بر اساس نظریه ظاهر حکم به صحت معامله جهت جبران خسارت داده‌اند مشروط بر اینکه مالک از اقدام فروشنده فضاول آگاه باشد و خود نیز در بوجود آمدن ظاهر نقش داشته باشد. مثل اینکه بین مالک و فضاول چنان رابطه ای وجود داشته باشد که هر شخص متعارفی به این ظهور اعتماد کند. لذا بر اساس وکالت ظاهری معامله را صحیح دانسته‌اند (امیرمحمدی، ۱۳۹۵: ۳۱۲).

بطلان عقد مطلق است اما در مواردی استثنایی قانون گذار بطلان قرارداد را در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد ندانسته و علیرغم این که قرارداد بین دو طرف باطل می‌باشد در مقابل ثالث معتبر می‌باشد. از جمله این موارد می‌توان به مواد ۱۳۰، ۱۲۶ و ۱۳۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت و ماده ۱۰۰ قانون تجارت اشاره کرد. مثلاً در ماده ۱۰۰ قانون تجارت بیان شده است: «هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند». نهاد عدم قابلیت استناد، شخص ثالث را از شناسایی یک عنصر حقوقی که برای وی ضرر ناروا ایجاد می‌کند؛ معاف خواهد کرد و بدین وسیله منشأ ضرر از بین می‌رود. در این مورد جمع بین مسئولیت مدنی و عدم قابلیت استناد ممکن نیست (رباطی، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

۱. پرداخت معادل هزینه‌ها

هزینه‌هایی که طرف با حسن نیت پرداخت کرده، از قبیل هزینه‌های دلالتی، تنظیم سند رسمی، هزینه‌های حمل و نقل و نگهداری کالا، در حکم تلف هستند. چرا که این هزینه‌ها از

انقضاء معامله کرده باشد، خسارت قابل مطالبه نخواهد بود. صرف اعتماد کفایت نمی‌کند بلکه اعتماد نیز باید معقول باشد. اگرچه اعتماد به صورت سرمایه گذاری و با انجام فعل رایج تر است اما اعتماد می‌تواند به صورت ترک فعل نیز محقق شود (Craswell, 1996: 491). مثلاً شخص با اعتماد به یک قرارداد باطل کالاهای خود را برای عرضه و فروش به دیگران ارائه ننموده و در نتیجه کالاها به علت انقضای تاریخ مصرف فاسد شوند.

۳-۲. معقول بودن هزینه و اقدامات

بین اعتماد از یک جهت و هزینه و اقدامات صورت گرفته از جهت دیگر باید رابطه سببیت وجود داشته باشد. بنابراین اگر اعتماد ناشی از فعل زیان بار ایجاد شود و شخص نیز به آن اتکا کند ولی اقدامات صورت گرفته ربطی به اعتماد مذکور نداشته باشد مانند اینکه شخص با اعتماد به صحت قرارداد خرید ملک، برای تهیه ثمن معامله خودروی خود را فروخته در حالی که قصد فروش خودرو را از قبل نیز داشته و بیع ملک صرفاً باعث ترغیب وی شده باشد، زیان‌های وارده قابل جبران نخواهد بود. هزینه‌ها و اقدامات صورت گرفته نیز باید معقول باشد. در بیع فضولی خریدار نسبت به آنچه که بیش از مقدار متعارف هزینه کرده و پرداخت‌های غیر ضروری انجام داده حق رجوع به غار را ندارد زیرا این نوع غرامت‌ها مستند به تقصیر خودش می‌باشد که از حدود متعارف خارج شده است (نجفی، ۱۳۶۲: ۳۰۴).

۳-۳. نقش عرف در تعیین رابطه

چنانچه بیان شد باید میان ضرر و فعل زیان بار رابطه سببیت وجود داشته باشد. ضرورت احراز این رابطه قاعده‌ای است عقلانی و منطقی. در حقوق مسئولیت مدنی منظور از رابطه سببیت مفهوم فلسفی یا مفهوم رایج در سایر علوم نیست بلکه مفهومی است که عرف از آن درک می‌کند و معیار تفاهم عرفی است. هر چند مفهوم فلسفی و علمی آن نیز در فهم معنای رابطه علیت بی تأثیر نیست. ماده ۳۳۲ قانون مدنی عرف را ملاک تشخیص رابطه سببیت قرار داده است (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۲۶).

جبران خسارت در مسئولیت مدنی ناشی از اعتماد

نظام‌های حقوقی مسئولیت مدنی کارکردهای مختلفی در ارتباط با زیان دیده، واردکننده زیان و جامعه دارند که می‌توان به جبران خسارات زیان دیده و تسلی خاطر وی، مجازات

وضعیت نامساعد اقتصادی خود و در راستای فراهم نمودن ثمن معامله مجبور به استقراض و اخذ تسهیلات یا فروش اموال خود می شود، انجام این اقدامات لازمه انعقاد معامله و قابلیت انتساب نداشته، بلکه ناشی از وضعیت خود شخص می باشد. با این حال نمی توان این خسارات را به طور کلی نادیده گرفت و به طور مطلق حکم به عدم قابلیت جبران داد. مثلاً در فرضی که شخص به اعتماد قرارداد استخدامی جدید، از شغل سابق خود استعفا می دهد، رابطه سببیت عرفی محرز به نظر می رسد. بنابراین ملاک در قابلیت مطالبه، قابلیت انتساب عرفی است.

بحث و نتیجه گیری

گاه قرارداد به علت فقدان یکی از شرایط ماهوی یا شرایط شکلی قانونی مقرر برای صحت آن عقد، باطل می شود. موجبات بطلان قرارداد ممکن است منتسب به یکی از طرفین باشد. از طرفی بطلان قرارداد باعث ضرر و زیان شخص یا اشخاصی می شود که با اعتماد بر صحت قرارداد هزینه هایی را نموده و سنگ بنای اعتماد و اتکای خود را بر قراردادی نهاده که در نهایت مهر بطلان بر آن می خورد. خسارات قابل تصور عبارتند از: هزینه هایی که عوض آن در دارایی زیان دیده وجود دارد؛ هزینه هایی که عوض آن در دارایی زیان دیده وجود ندارد؛ محروم ماندن از سود هزینه های انجام شده؛ تغییر در وضعیت معاملاتی شخص، از دست دادن فرصت های معاملاتی و خسارت معنوی ناشی از بطلان قرارداد. چشم پوشی از خسارات وارده و حکم بر بی حقی زیان دیده، برخلاف هدف و فلسفه مسئولیت مدنی در راستای جبران خسارت و تسلی خاطر زیان دیده می باشد. از جهتی صرف اعلام بطلان قرارداد وسیله جبران خسارت تلقی نمی شود. لذا حکم به جبران خسارت موافق با اصول حاکم بر مسئولیت مدنی است. نوع مسئولیت ناشی از بطلان قرارداد، مسئولیت مدنی غیر قراردادی است زیرا با بطلان عقد، اثری بر آن مترتب نخواهد بود و کلیه الزامات ناشی از یک قرارداد صحیح منتفی می گردد. خسارات قابل تصور در حیطه بطلان قرارداد در سه گروه اصلی خسارات اعاده ای، خسارات انتظاری و خسارات اتکایی قرار می گیرند. هدف از خسارات ناشی از اعتماد قرار دادن شخص در همان وضعیتی است که اگر وارد یک رابطه قراردادی باطل نمی شد در آن وضعیت قرار داشت. در واقع برخلاف خسارات انتظاری که هدف جبران خسارات مورد انتظار طرف معامله و عدم النفع است، هدف از مسئولیت مدنی ناشی از اعتماد حمایت از سرمایه است. شرایط عام مسئولیت در مسئولیت مدنی ناشی از اعتماد

دارایی او خارج شده و متناسب با آن عوضی هم وارد دارایی نگردیده است. از طرفی، هزینه های مذکور در راستای انعقاد قرارداد انجام شده و عرف آنها را منتسب به شخصی که سبب بطلان قرارداد شده می داند. دکتترین حقوقی و رویه قضایی ایران، در فرض مستحق للغير در آمدن مبیع، تردیدی در امکان جبران این هزینه ها در قالب غرامات ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۲۷) به نظر نمی رسد ویژگی خاصی در معامله فصولی و مستحق للغير در آمدن مبیع به عنوان یکی از جهات بطلان معامله وجود داشته باشد، در هر فرض دیگری که بطلان، منتسب به یک طرف قرارداد باشد، می توان او را مسؤول جبران این خسارات دانست. مانند جایی که مالی معین به عنوان جنس خاص فروخته می شود و بعد مشخص می شود از آن جنس نیست.

۲. جبران خسارت از دست دادن فرصت

صرف فرصت به دست آوردن منفعت یا اجتناب از ضرر می تواند یک دارایی ارزشمند محسوب شود که از بین بردن آن با جمع سایر شرایط مسئولیت مدنی ایجاد می کند و عامل زیان باید از عهده جبران خسارت برآید. (امینی، ۱۳۹۰: ۳۳) در خصوص نحوه ارزیابی خسارات از دست دادن فرصت سه نظر کلی بیان شده است که عبارت است از: جبران کل خسارت، در این روش خسارات صرف نظر از درجه احتمال و به طور کلی جبران می شود. دوم تعیین خسارت بر اساس درجه احتمال، در این روش خسارت نهایی ایجاد شده در نظر گرفته شده و درصد احتمال که زیان دیده شانس اجتناب از آن را داشت نیز معین و به همان میزان درصد به زیان دیده خسارت پرداخت می شود. (کاظمی، ۱۳۸۰: ۲۱۲؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۸۰) سوم تعیین خسارت به طریق مستقل و مبلغ مقطوع، که نفس فرصت از دست رفته به عنوان زیان مستقل در نظر گرفته می شود. اگرچه قاضی برای تعیین میزان خسارت به درجه احتمال توجه می کند، اما ارزیابی خسارت به طور مستقل و به عنوان یک زیان خاص و مستقل در نظر گرفته می شود. این روش منطقی تر است (کاظمی، ۱۳۸۰: ۲۱۶).

۳. جبران خسارت تغییر در وضعیت

در نگاه اول به نظر می رسد این نوع از خسارات قابل مطالبه نیستند چون چنین معاملاتی ناشی از وضعیت مالی شخص بوده و رابطه سببیت میان تقصیر طرف مقابل با ضررهای ناشی از این معاملات عرفاً محرز نیست. مثلاً شخصی که به جهت

مطبوعاتی اسماعیلیان. چاپ چهارم.
 خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۷). *مصباح الفقاهه*. جلد ۳. قم: مکتبه الداوری. چاپ اول.
 درودیان، حسنعلی (بی تا). *جزوه درسی حقوق مدنی* ۴. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
 رباطی، مهسا؛ محسنی، سعید؛ قبولی درافشان، سید محمد مهدی (۱۳۹۶). «عدم قابلیت استناد بطلان در شرکت‌های تجاری». *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۹، شماره چهارم، صص ۱۱۸-۱۴۰.
 رنجبر، مسعودرضا (۱۳۹۵). *تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد*. تهران: میزان. چاپ سوم.
 ژوردن، پاتریس (۱۳۹۱). *اصول مسئولیت مدنی*. ترجمه مجید ادیب. تهران: نشر میزان.
 شاملی، نصرالله؛ علی اکبری بابوکانی، احسان؛ شاکری، محسن (۱۳۹۱). «ضمان ناشی از بطلان اعمال حقوقی معاوضی (در حقوق ایران، مصر، فرانسه و فقه امامیه)». *فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، صص ۵۳-۷۸.
 شعاریان، ابراهیم (۱۳۹۰). «جبران خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد». *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۵۴، صص ۳۶۷-۴۱۶.
 شکاریان، مصطفی (۱۳۹۵). «گرامات ناشی از کاهش ارزش ثمن در فرض مستحق للغير در آمدن مبیع». *فصلنامه تخصصی دین و قانون*، شماره ۱۳، صص ۱۴۵-۱۶۸.
 شهبایی، مهدی؛ افضل‌الواحد (۱۳۹۴). «تحلیل تطبیقی عقد باطل و فاسد در قانون مدنی ایران و افغانستان». *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۵، شماره ۴، صص ۵۸۳-۶۰۳.
 شهیدی، مهدی (۱۳۷۹). *حقوق مدنی*. جلد دوم. اصول قراردادهای و تعهدات. تهران: عصر حقوق. چاپ نخست.
 صفایی، سیدحسین (۱۳۸۲). *حقوق مدنی*. جلد اول. تشکیل قراردادهای و تعهدات. تهران: انتشارات مجد. چاپ سوم.
 صفایی، سیدحسین (۱۳۶۴). «استناد به استفاده بلاجهت با وجود رابطه قراردادی». *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره دوم، صص ۹-۳۷.
 صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۲). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*. تهران: نشر سمت. چاپ پنجم.
 طالب احمدی، حبیب (۱۳۹۲). *مسئولیت پیش‌قراردادی*. تهران: نشر میزان. چاپ اول.

باید با توجه به قواعد خاص حاکم بر زبان‌های اتکایی تفسیر شود. انعقاد قرارداد با وجود موجب بطلان منتسب به طرف، تقصیر محسوب می‌شود. لذا پیشنهاد می‌گردد قضات با عنایت به قابلیت‌های قانونی و قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی از جمله تسبیب و قاعده غرور و با فرض تقصیر در موارد بطلان قرارداد مانع سوء استفاده اشخاص شوند و در مواردی که عرفاً ضرر قابلیت انتساب به شخص را داشته باشد و علاوه بر اعتماد، هزینه‌ها و اقدامات صورت گرفته نیز معقول باشد با حکم به جبران خسارت از زبان دیده حمایت کنند.

منابع

احمد السنهوری، عبدالرزاق (۱۳۹۰). *الوسیط فی شرح القانون المدنی*. مترجم سیدمهدی دادمرزی، محمدحسین دانش‌کیا، جلد اول. قواعد عمومی قراردادها. قم: انتشارات دانشگاه قم.
 اصغری آقشهیدی، فخرالدین (۱۳۸۱). «خسارت عدم النفع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا». *نامه مفید*، شماره بیست و نهم، صص ۷۷-۹۴.
 افتخارچهرمی، گودرز؛ شهبازی‌نیا، مرتضی (۱۳۸۳). «بررسی قاعده استاپل در حقوق انگلیس و آمریکا». *مجله حقوقی*، شماره سی‌ام، صص ۵-۷۳.
 امیرمحمدی، محمدرضا (۱۳۹۵). «گرامات ناشی از مستحق للغير در آمدن مبیع». *حقوق خصوصی*، شماره ۲، صص ۲۱۵-۳۹۷.
 امینی، منصور؛ ناطق‌نوری، سوده (۱۳۹۰). «مطالعه تطبیقی نظریه از دست دادن فرصت - بررسی اجمالی حقوق اروپا و ایالات متحده آمریکا». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱۵، شماره ۳، صص ۲۱-۳۷.
 بادینی، حسن (۱۳۸۳). «هدف مسئولیت مدنی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۶، صص ۵۵-۱۱۳.
 بجنوردی، میرزاحسن (۱۴۱۳ ه.ق). *القواعد الفقهیه*. جلد اول. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان. چاپ دوم.
 پورسید، بهزاد؛ شفیع‌زاده خولنجانی، مصطفی؛ صادقی، محمد (۱۳۹۵). «نوع مسئولیت و آثار ناشی از بطلان عقود معاوضی». *فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، سال دوازدهم، شماره ۴۳، صص ۲۹-۵۰.
 حسینی مراغه‌ای، سیدمیرعبدالفتاح (۱۴۲۹ ه.ق). *العناوین الفقهیه*. جلد دوم. قم: مؤسسه نشرالاسلامی.
 خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۰). *البیع*. جلد دوم. قم: مؤسسه

- شماره ۵۳، صص ۱۸۵-۲۲۸.
- محمدی، قاسم؛ جمالی، مرتضی (۱۳۹۵). «حکم به اجرای قرارداد باطل به عنوان روشی برای جبران خسارت». *مجله حقوقی دادگستری*، سال هشتم، شماره ۹۵، صص ۸۳-۱۰۰.
- میرزای قمی، ابوالقاسم ابن محمدحسن (۱۳۷۱). *جامع الشتات فی اجوبه السؤالات*. جلد ۲. تهران: کیهان.
- میرشکاری، عباس (۱۳۸۹). «بررسی مفهومی و مصداقی سبب و شرط در حقوق مدنی ایران». *مجله کانون*، شماره ۱۱۳، صص ۷۸-۱۰۰.
- نجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. جلد ۲۲. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نعمت‌اللهی، اسماعیل (۱۳۹۵). «معرفی و نقد نظریه اعتماد متعارف». *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۷، شماره ۲، صص ۷۸۵-۸۰۳.
- _____ (۱۳۹۷). «منافع سه‌گانه در خسارت‌های قراردادی». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۲، شماره ۳، صص ۱۶۳-۱۸۹.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۶). *حقوق مدنی، قواعد عمومی مسئولیت مدنی*. جلد اول. تهران: نشر میزان. چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۹). «قهری یا قراردادی بودن مسئولیت مدنی ناشی از ضمان درک». *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره دوم، شماره اول، صص ۱۸۵-۲۱۰.
- طباطبایی الحکیم، سیدمحسن (بی‌تا). *نهج‌الفقاهه*. جلد اول. قم: انتشارات ۲۲ بهمن.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم (۱۳۸۷ ه.ق). *حاشیه مکاسب*. قم: اسماعیلیان. چاپ سنگی.
- علیزاده، مهدی (۱۳۸۲). *سوء عرضه کالا در حقوق اسلامی*. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. چاپ اول.
- عمید، حسن (۱۳۹۰). *فرهنگ عمید*. تهران: امیرکبیر. چاپ ۳۸.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *قواعد عمومی قراردادها*. جلد چهارم. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ چهارم.
- _____ (۱۳۸۳). *قواعد عمومی قراردادها*. جلد دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ ششم.
- _____ (۱۳۸۶). *الزام‌های خارج از قرارداد*. جلد اول و دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ ششم.
- _____ (۱۳۸۷). *عقود معین*. جلد اول. معاملات معوض، عقود تملیکی. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ دهم.
- کاظمی، محمود (۱۳۸۰). «نظریه از دست دادن فرصت در مسئولیت مدنی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. L. Rev. 605
- Geoffrey, Samuel (2001). *Law of Obligations and Legal Remedies*. Second Edition. Cavendish Publishing Limited.
- Gotanda, John Y. (2007). *Damages in Lieu of Performance because of Breach of Contract*. Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1368208
- Craswell, Richard (1996). *Offer, Acceptance and Efficient Reliance*. available at: http://chicagounbound.uchicago.edu/journal_articles.
- Eisenberg, Melvin A. and Brett H. McDonnell (2003). *Expectation Damages and the Theory of Overreliance*. 54 *Hastings L.J.* 1335. Available at: https://repository.uchastings.edu/hastings-law_journal/vol54/iss5/2
- Fischer, David A. (2001). *Tort Recovery for Loss of A Chance*. 36 *Wake Forest*

- <http://scholarship.law.duke.edu>
Perdue, William R. and Fuller, Lon (1936). *The Reliance Interest in Contract Damages*. available at: <http://www.cisg.law.pace.edu>
- Scott, Robert E. (2007). *Hoffman v. Red Owl Stores and the Myth of Precontractual Reliance*. available at: <http://ssrn.com/abstract=927089>.
- Slawson W. David (2003). *Why Expectation Damages for Breach of Contract Must Be the Norm: A Refutation of the Fuller and Perdue "Three Interests" Thesis*. available at: <https://digitalcommons.unl.edu/nlr>.
- Slawson, W. David (1990). *Role of Reliance in Contract Damages*. Available at: <https://scholarship.law.cornell.edu/clr/vol176/iss1/3>.
- Taylor, R. D. (1982). *Expectation, RELIANCE and Misrepresentation*. available at: <https://doi.org/10.1111/j.1468-2230.1982.tb02474.x>.
- Wishart, Mindy Chen (2008). *Contract Law*. 2 thedition. Oxford University Press. New York: USA.

